قابل توجه برادران ستاره‌شناس و منجم

 اين مطالب کوچک ترين رساله اي است که از طريق دلائل نجومي بروج و خورشيد و کره زمين , وحدت جهاني سال و ماه ايجاد مي کند . طرف داران وحدت جهاني آن را مطالعه فرمايند تا بدانند که فقط تقويم ايران در ظهور سال و ماه مطابق طبيعت است و تقاويم ديگر با طبيعت همگامي ندارد.

بسم الله الرحمن الرحيم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

مطالبي در اطراف تحويل سال و هلال ماه نو بنظر مي‌رسيد كه لازم دانستم به برادران منجم خود برسانم و پاسخ مناسب از آنها دريافت نمايم شما بهتر مي‌دانيد كه هريك از اين سه سياره منظومه شمسي (ماه و خورشيد و زمين در ارتباط با يكديگر حالات و حركاتي و بر مدار آن حالات و حركات احكامي بوجود مي‌آورند كه قابل توجه دانشمندان ستاره‌شناس و منجمين است زمين با حركت وضعي خود به دور خود شبانه روز بوجود مي‌آورد و همين زمين با حركت انتقالي خود به دور خورشيد سال و ماه شمسي بوجود مي‌آورد كره ماه با حركات در ارتباط با خورشيد و كره زمين ماههاي قمري و سال قمري بوجود مي‌آورد و شما مي‌دانيد كه در منظومه شمسي خورشيد ثابت و سيارات به دور خورشيد مي‌گردند و اگر سيري براي خورشيد ثابت شده براي كل منظومه شمسي در ارتباط با كهكشان‌ها و ستارگان ثابت كشف شده است والا خورشيد در ارتباط با سيارات خود ثابت و سيارات به دور خورشيد مي‌چرخند خداوند متعال هم با جمله و الشمس تجري لمستقر لها اشعار مي‌دارد كه خورشيد در قرارگاه خود انفجارات بوجود مي‌آورد با جمله لمستقرلها اشعار مي‌دارد كه ثابت است و با جمله تجري اشعار مي‌دارد كه انفجارات داخلي دارد كه از انفجارات شعاع نور پيدا مي‌شود.

نظر به اين كه حركات در ارتباط شي متحرك با شيئي ثابت قابل درك است منجمين حركات سيارات منظومه شمسي را با بروج كه ستارگان ثابت فضا هستند در نظر گرفته‌اند اگر خورشيد ثابت نبود حركت سيارات منظومه شمسي قابل كشف نبود و اگر كهكشانها و ستارگان ثابت فضا نبودند حركات منظومه شمسي كشف نميشد اگر در طبيعت شي ساكن و ثابتي وجود نمي‌داشت حركت متحركات قابل احساس نبود پس براي كشف حركات سيارات لازم بود آنها را به ستارگان ثابت ارتباط دهند از اين رو ستارگان سيار منظومه شمسي را به ستارگان ثابت فضا بنام بروج ارتباط دادند حركت وضعي آنها را با خورشيد سنجيدند و حركت انتقالي آنها را با بروج نمايش دادند.

بروج عبارتند از دوازده مجموعه ستارگان فضا كه هر مجموعه‌اي از آنها بنام حيواني ناميده شده است

صاحب نصاب الصبيان در اين رابطه مي‌گويد:

برج ها ديدم كه از مشرق برآوردند سر جمله در تسبيح و در تهليل حي لايموت

چون حمل چون ثور چون جوزا و سرطان و اسد سنبله ميران و عقرب قوس و جدي دلو و حوت

اين مجموعه در يك دايره‌اي قرار گرفته‌اند كه كره زمين در حركت ساليانه خود هر سي روز و يا 31 روز مواجه با يكي از آن مجموعه‌ها مي‌شود هريك از آن مجموعه‌ها را با خط فرضي به يكديگر ارتباط داده‌اند بصورت حيواني درآمده و بنام آن حيوان نام‌گذاري كرده‌اند مجموعه اول بصورت حمل (بره) نمايش پيدا كرده و مجموعه دوم بصورت گاو نر برهيمنت (ثور) نمايش يافته و مجموعه سوم بصورت جوزا (دو پيكر) مجموعه چهارم بصورت سرطان (خرچنگ) مجموعه پنجم بصورت اسد (شير) و مجموعه ششم سنبله (خوشه) و مجموعه هفتم بصورت ميران (ترازو) تا آخر مجموعه دوازدهم بصورت حوت (ماهي) است كره زمين در گردش ساليانه خود هر سي روز در مواجهه يكي از مجموعه‌ها قرار مي‌گيرد اين مجموعه‌ها را بصورت بيضي ترسيم كرده‌اند ولي معلوم نيست كه بيضي صورت واقعي منطقه البروج است يا اشتباهي است كه از ميل شمالي و جنوبي كره زمين در تابستان و زمستان پيدا شده زيرا آن ميل شمالي و جنوبي گردش انتقالي زمين را بصورت بيضي نمايش مي‌دهد براي اينكه ميل شمالي جنوبي زمين در ارتباط با خورشيد احساس مي‌شود وليكن دايره شرقي غربي زمين در طلوع و غروب خورشيد مستهلك است. قابل احساس نيست لازم است يك نفر آزادانه در خارج از كره زمين همراه گردش كره زمين در فضا خطي ترسيم كند تا معلوم شود خط دايره‌اي است يا بيضي در هر صورت گرچه منجمين در تقويم‌هاي خود مي‌نويسند مثلاً تحويل شمس به برج حمل يا برج ثور وليكن در واقع تحويل زمين و ماه ببرج حمل و ثور درست است نه تحويل شمس ببرج حمل زيرا فقط زمين در حركت انتقالي خود هر سي روز يا سي يك روز با برجي از بروج روبرو مي‌شود نه خورشيد زمين تحويل برج حمل مي‌شود نه خورشيد. البته نظر به اينكه خورشيد در مركز منظومه شمسي قرار گرفته و بروج در خارج اين دايره است زمين در هر جاي دايره قرار گيرد مواجه با خورشيد است و همراه خورشيد با بروج دوازده گانه روبرو مي‌شود پس اين زمين و ماه است كه تحويل بروج مي‌شود نه خورشيد البته از باب مسامحه مي‌گويند تحويل شمس به برج حمل و غيره.

در اين جا راجع به تحويل سال و ظهور هلال ماه مطالبي به نظر ميرسد كه براي ازدياد فهم خودم از

مسير پاسخ اساتيد لازم دانستم به عرض برسانم شايد موجباتي فراهم شود كه اهل كره زمين براي

پيدايش هلال ماه و تحويل سال وحدت نظر و وحدت عمل پيدا كنند.

البته شما ميدانيد كه اختلاف آفاق از مسير حركت وضعي زمين پيدا مي‌شود كرويت زمين و حركت وضعي آن ايجاب ميكند كه در هر شهر و دياري ساعت معيني طلوع و غروب واقع شود از اين رو براساس مدارات زمين كه خطوط فرضي از قطب شمال به جنوب است از هر مداري به مدار ديگر در خط استوا تقريباً دو ساعت اختلاف افق پيدا مي‌شود (اگر تعداد مدارات زمين 12 باشد و اگر 24 باشد يك ساعت) و از مسير ميل خورشيد به قطب شمال و جنوب اختلافات ديگري پيدا مي‌شود كه همه اينها مربوط بحركت انتقالي كره زمين به دور خورشيد است كه دقيقه و ثانيه آن قابل محاسبه است در اين جا بايد عرض كنيم كه پيدايش وقت نمازها براساس مسامحه است نه براساس دقت رياضي در هر مداري كه طلوع واقع مي‌شود در يك استان و يا شهرستان و محيط آن وقت نماز صبح است و آنجا كه خورشيد در ارتفاع كامل قرار مي‌گيرد كه دلوك شمس ناميده مي‌شود لااقل تا شعاع 50 كيلومتر نماز ظهر است اينكه ميگويند نماز ظهر به افق تهران مثلاً 12 ساعت 10 دقيقه و 45 ثانيه است برخلاف مسامحه‌اي است كه شرع مقدس اسلام براي تعيين قبله و وقت نماز قرار داده است زيرا تعيين وقت و شمارش دقيقه و ثانيه ايجاب ميكند كه در شرق يك شهرستان و روستا ظهر باشد و در غرب آن ظهر نباشد بهتر اين است كه براي تعيين زمان نماز و روزه لااقل به ربع ساعت اكتفا كنند دقيقه و ثانيه را بحساب نياورند اين دقتهاي رياضي ايجاب ميكند كه مثلاً در شرق تهران وقت نماز ظهر باشد و در غرب آن نباشد چنين دقتي در تعيين وقت نماز لزومي ندارد باعث وسوسه و وسوسه كردن مي‌شود پس اين اختلاف آفاق مربوط به طلوع و غروب خورشيد در كره زمين است.

اما در حركت انتقالي زمين براي تحويل سال كه از مسير دوائر كره زمين پيدا مي‌شود نه مدارات. اختلاف افق معني ندارد زيرا اين تحويل مربوط به حركت انتقالي كره زمين است نه حركت وضعي در طلوع و غروب از مسير حركت وضعي كره زمين خطوط مداري از قطب شمال به جنوب پيدا مي‌شود و از مسير حركت انتقالي كره زمين در مواجه با بروج خطوط دايره‌اي زمين از شرق به غرب پيدا مي‌شود خطوط دايره‌اي از شرق به غرب است و خطوط مداري از جنوب به شمال يكي از آن خطوط دايره‌اي خط استوا ميباشد كه زمين را به دو نيم كره جنوبي و شمالي قسمت ميكند.

زمين در ميل جنوبي و شمالي خود هر شبانه روز در يك خط فرضي قرار مي‌گيرد خطوط فرضي دايره‌اي

زمين را بايستي در انتهاي ميل جنوبي و انتهاي ميل شمالي خورشيد بحساب آورند مثلاً اول ديماه انتهاي ميل جنوبي خورشيد و اول تيرماه انتهاي ميل شمالي آن مي‌شود در اين جا لازم است اختلاف ساعتهاي شبانه روز را بحساب آورند و براساس آن خطوط دايره‌اي كره زمين را از شرق به غرب منظم كنند مثلاً كره زمين از اول تيرماه كه ميل جنوبي خود را شروع ميكند ظرف نود و سه روز به خط استوا ميرسد كه آن را اعتدال خريفي يا پائيزي مينامند و در مدت سه ماه ديگر تا اول ديماه به انتهاي ميل جنوبي خود ميرسد در اين مدت هر روزي دايره‌اي را طي ميكند دوائر كره زمين از همين ميل به شمال و جنوب پيدا مي‌شود آنجا كه از انتهاي ميل جنوبي اول ديماه حركت شمالي خود را آغاز ميكند ظرف سه ماه كه اول فروردين است به خط استوا ميرسد كه آنرا اعتدال ربيعي مينامند در همان دقيقه‌اي كه به خط استوا ميرسد تحويل سال است.

اختلاف آفاق ظاهراً در اين جا در تحويل سال برهاني ندارد زيرا در يك دقيقه معيني كره زمين تحويل برج حمل و با بروج ديگر مي‌شود و براي تمامي جمعيت كره يك جا و يك زمان سال تحويل مي‌گردد درست نيست كه در اين جا بگويند تحويل سال به افق تهران يا مشهد و يا لندن و برلن زيرا اين تحويل مربوط به كره زمين است نه شهرها و مملكتها در يك دقيقه معين سال كره زمين شروع مي‌شود كه هركس عقيده به اين تحويل دارد بايستي جشن بگيرد و همين كه از مسير جنوبي زمين به خط استوا ميرسد براي تمام كره زمين سال نو شروع مي‌شود اينطور نيست كه يك قسمت از كره زمين در خط استوا قرار گيرد و قسمتهاي ديگر قرار نگيرد و اگر شما مي‌گوئيد هر دقيقه‌اي چهره خورشيد با خط خاصي روبرو مي‌شود ميگوئيم اين مربوط به طلوع و غروب است نه تحويل كره زمين به خط استوا وقتي كه زمين در خط استوا قرار گرفت خورشيد يكنواخت به دو نيمكره شمالي و جنوبي تابش ميكند و هوا در هر دو نيمكره يكنواخت اعتدال پيدا ميكند پس اختلاف ساعت در تحويل سال غيرمنطقي و خلاف طبيعت است.

و اما پيدايش هلال ماه

اين را ميدانيم كه كره ماه در مدت بيست و نه روز و يا سي روز برابر يك سال كره زمين در دائره البروج گردش ميكند حركت خود را از برجي كه كره زمين و خورشيد در آن قرار دارند شروع ميكند هر دو روز و چند ساعتي برجي را طي ميكند تا در انتهاي ماه كه خود را به برج خورشيد مي‌رساند محاق واقع مي‌شود يعني چهره ماه بكلي از نظر سكنه زمين محو مي‌شود كه آن را تحت الشعاع مينامند يعني كره ماه در شعاع خورشيد قرار مي‌گيرد و از ساعت ورود به شعاع خورشيد تا خروج آن تا در نظر اهل زمين ديده شود دو روز نصف تقريباً طول ميكشد اين دو روز و نصف زماني است كه خورشيد و ماه زمين در يك برج قرار مي‌گيرد و گاهي كسوف واقع مي‌شود ميتوانيم اين ورود و خروج ماه را بشعاع خورشيد تحويل ماه به برج حمل يا ثور و سرطان بناميم در اين جا هم بايستي كره زمين را بصورت يك انسان بشناسيم و بگوئيم در هر جا كه كره ماه گوشه‌اي از آبروي خود را به اهل زمين نشان داد همان دقيقه اول ماه شروع مي‌شود زيرا اگر در بلاد غربي ديده شود فردا در تمام بلاد شرقي ديده مي‌شود اينجا هم مي‌توانيم در يك دقيقه يا ساعت همين كه خروج الشعاع واقع مي‌شود و ماه گوشه آبروي خود را به اهل زمين نشان مي‌دهد همان ساعت لازم است در تمام كره زمين اول ماه اعلام شود و تمامي روزه‌داران كره زمين فردا را عيد فطر يا عيد قربان قرار دهند زيرا زمان هم در اينجا براساس مسامحه است نه دقت رياضي كه رؤيت هلال باشد در يك شهري ببينند و در شهر ديگر نبينند با رعايت مسئله ديگري كه خداوند دوست دارد مردم كره زمين متحدالمال باشند يعني در تمام مسائل اتحاد داشته باشند تمام اهل كره زمين در روز معيني جشن و سرور بپا كنند.

پس در هر جا كره ماه چهره خود را نشان داد در تمام كره زمين بايستي اول ماه اعلام شود در اينجا نيز اختلاف افق و اختلاف راي منطقي نيست زيرا رابطه ماه با كره زمين مطرح است نه با شهرها و انسانهاي مختلف كه مايه تفرقه مي‌شود در هر جا كه رؤيت هلال شد فردا در شرق و غرب كره زمين اول ماه اعلام مي‌شود نه به معناي اينكه مغرب زمين كه وسط روز است روزه خود را افطار كنند بلكه فرداي آن روز با اين حساب خورشيد و يا كره زمين يكجا و در يكزمان معين بساعت يا دقيقه در خط استوا قرار مي‌گيرد اختلاف افق در اين مواجهه چه برهاني دارد خط فرضي استوا كمربند كره زمين است كه در يك آن مواجه با برج حمل مي‌شود كه با مسامحه ميگوئيم در يك ساعت يا يك دقيقه مواجه مي‌شود گردش زمين از غرب به شرق كه افق بوجود مي‌آورد مربوط به گردش انتقالي نيست دوائر زمين براي گردش انتقالي مانند مدارات است كه در يك آن مواجه با خورشيد مي‌گردد در شهرهائيكه در يك مدار زمين از قطب جنوب به شمال هستند در يك آن ظهر مي‌شود و يا غروب ميكند يا صبح طالع مي‌گردد شهرهائيكه هم در يك دايره از دوائر قرار گرفته‌اند مثلاً در خط استوا در يك زمان معين زمين تحويل به برج حمل يا برج ديگر ميگردد كه روي اين حساب اختلاف منجمين با يكديگر منطقي نيست برهاني ندارد كه در سال شمسي كه بر مدار گردش انتقالي كره زمين است بروج در اول و آخر با يكديگر اختلاف داشته باشند مثلاً يكي بگويد دهم ماه رومي و ديگري بگويد بيستم ماه تركي يا فارسي يا چيز ديگر زيرا اين ماه‌ها اگر ماه قمري است كه با نمايش ماه تعيين مي‌شود دليلي براي اختلاف ندارند و اگر ماههاي شمسي است كه در مسير گردش انتقالي زمين پيدا مي‌شود بازهم برهاني براي اختلاف وجود ندارد زبرا كره زمين در يك ساعت معين با يكي از برجهاي دوازده‌گانه روبرو مي‌شود در مواجهه با بروج و يا هلال ماه كه از طبيعت گردش زمين يا كره ماه سرچشمه مي‌گيرد اختلاف معنا ندارد زيرا اين گردش مربوط به طبيعت است نه براي ستاره‌شناس البته بايستي ستاره‌شناسان و يا رصدخانه‌ها در يك خط مداري يا دايره‌اي قرار گيرند تا وحدت راي پيدا كنند اگر يك رصدخانه در دايره دوم بعد از استوا قرار گيرد و رصدخانه ديگر در دايره اول تحويل زمين و ماه برجها در نظرشان اختلاف پيدا مي‌كند اعتدال ربيعي و يا پائيزي مربوط به طبيعت كره زمين است نه رأي مردم پس يكي از عوامل ايجاد وحدت در تعيين سال و ماه طبيعت است.

پيدايش هلال ماه هم از اين قبيل است ماه در يك دقيقه معين خروج الشعاع مي‌شود و در يك جاي كره زمين رؤيت مي‌گردد پس از رؤيت شبها در شرق كره زمين شب آخر است و هم چنين روزها در غرب كره زمين روز آخر است در نتيجه شب در تمام كره زمين شب آخر و روز هم در تمام كره روز اول ماه است زيرا هلال ماه يعني طلوع ماه در كره زمين نه در شهر معيني مثلاً وقتي ماه در اروپا رؤيت شود شبهاي آسيا شب آخرماه است و فردا روز اول ماه و شبهاي اروپا و آمريكا هم شب آخر است و فردا روز اول ماه پس فردا را در آسيا نبايد روز آخر ماه قرار دهند. زيرا ماه در كره زمين چهره نشان داده فردا در تمام نقاط كره زمين اول ماه است هم چنين روزهاي ممالك غربي كه به آخر مي‌رسد ماه چهره خود را به آنها نشان مي‌دهد پس هلال ماه در هر جاي كره زمين رؤيت شود فرداي آن روز در تمام نقاط كره زمين اول ماه است هم چنين تحويل زمين ببرج حمل در تمام كره زمين اول سال است در اين جا سخني هم با ملتهائيكه هركدام براي خود سال و ماهي معين كرده‌اند دارم عرض مي‌كنم كه اختلاف در سال و ماههاي قمري و يا شمسي يك اختلاف غيرمنطقي است دليلي ندارد كه منجمين و يا ملتها در ابتدا و انتهاي برجها و يا ماههاي قمري اختلاف داشته باشند زيرا اين ماهها و برجها يك پديده طبيعي است به رأي مردم واگذار نشده است كه هريك از آنها سال و ماه مخصوصي انتخاب كند چطور ممكن است مردم در ماههاي قمري اختلاف پيدا كنند با اينكه كره ماه يكجا در مرآيي و منظر تمام مردم قرار مي‌گيرد و چهره خود در ساعت معين به مردم نشان مي‌دهد و چطور مي‌شود تحويل كره زمين در گردش ساليانه خود مايه اختلاف شود يا اينكه در يك ساعت معين تحويل يكي از بروج مي‌شود البته اگر يكنفر از آنها در قطب جنوب و ديگري در قطب شمال باشد مناظر آسمان در نظرشان مختلف است وليكن لازم است رصدخانه‌ها را در يك رديف قرار دهند و هركدام از آنها نقطه معيني را در آسمان رصد كنند در اينصورت خواهند دانست كه در ساعت معين كره زمين وارد يكي از برجها مي‌شود كه اجبار دارند همان ساعت را اول برج بشناسند همين طور نظر به اينكه تقريباً هشت دهم خشكي‌هاي كره زمين در نيمكره شمالي زمين قرار گرفته در اين نيمكره در اول فروردين يك تحول طبيعي پيدا مي‌شود كه بهار آنها شروع مي‌شود و طبيعت جشن مي‌گيرد لباس نو مي‌پوشد مناسب است در اين نيمكره عيد نوروز و در تمام ممالك اول سال طبيعي اعلام گردد كار به عيدهاي مذهبي نداريم مردم در مذاهب اختلاف دارند وليكن منطقي نيست كه در طبيعت و حوادث طبيعت با يكديگر اختلاف پيدا كنند در نيمكره شمالي كه هشت دهم كره زمين است در يك ساعت معين زمين در خط استوا قرار مي‌گيرد و تحول طبيعي بهاري اعلام مي‌شود لازم است تمام مردم از اين تحول طبيعي استقبال كنند. آن دو دهم نيمكره جنوبي بعنوان تبعيت اقليت از اكثريت اول سال كره زمين اعلام كنند پس اختلاف انسانها در بروج سال شمسي و ماههاي سال قمري اختلافي بر خلاف روش طبيعت و برخلاف گردش سيارات است بهتر اين است كه برخلاف طبيعت كاري انجام نگيرد و انسانها كه فرزندان طبيعت‌اند با مقتضيات طبيعت مخالفت نكنند.

 محمد علي صالح غفاري 10/1/1376